

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

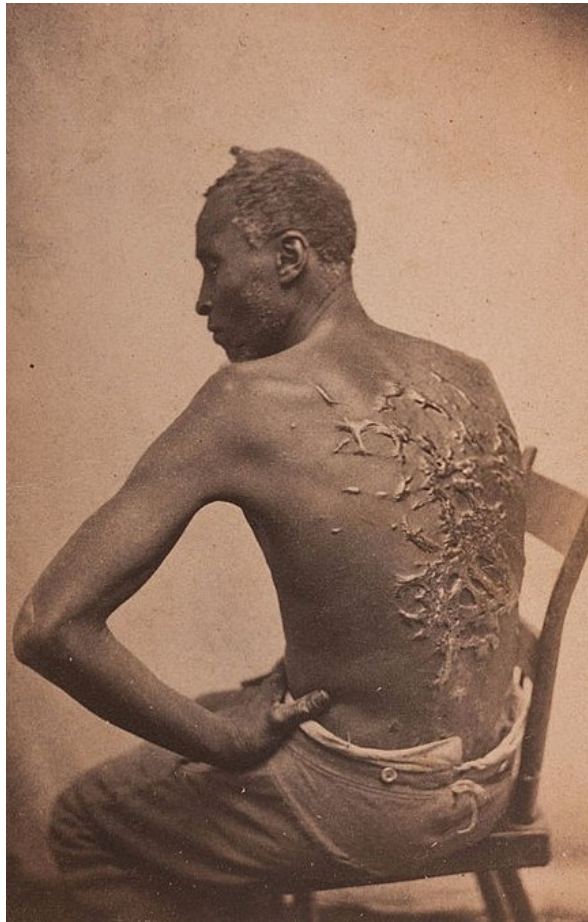
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیشگام
۰۹ می ۲۰۲۴

شلاق ثروت، از بردگی تا سرمایه داری



جامعه بردگی نخستین جامعه طبقاتی حیات بشر است. مناسبات تولیدی در جامعه کمون، که بر اشتراک جمعی نهاده شده بود، بادر نظر داشت رشد نیروهای مولده جایش را به جامعه مبتنی بر طبقات (برده و برده دار) خالی کرد. اکثریت جامعه به بردگان تبدیل شدند و اقلیت جامعه به مکیدن آخرین قطره های خون بردگان پرداختند. اقلیت طفیلی با شلاق

ثروت، مالک جان و تن و زندگی اکثریت بردگان شد. این نیروی جدید کار بزودی، اشتهای طبقه حاکم را برانگیخت و تجارت و بعد ها قاچاق برده به یکی از پر سودترین تجارت های جهان تبدیل شد.

صدای کشدار تازیانه ستم بردگی را می توان بخوبی در کمر شلاق خورده «گوردن» که به نام «پیتر شلاق زده» یا «پیتر مستمند» مشهور است، هنوز شنید. گوردن که در سال ۱۸۶۳ از زیر ستم در مزارع پنبه کیپتان «جان لینون» در لویزیانا گریخت، پس از طی راه های مشقتبار و تحمل رنج های فراوان خود را به مناطق شمالی و به ارتش اتحادیه رسانید.

عکسی از او، که با نام «پشت شلاق خورده» نشر شده، یکی از عکس های معروف جهان است که وضعیت برده ها را در ایالات متحده آمریکا بخوبی نشان می دهد، در کشوری که هنوز هم بردگی مدرن سرمایه داری میلیون ها کارگر و تهیدست را با شلاق سرمایه منکوب می کند.

میلیون ها برده در شدیدترین بهره کشی به تولید ثروت و دارائی برای طبقه برده دار می پرداختند و با جنگ های گلائیاتوری زمینه تفریح این طبقه حاکم را مساعد می ساختند؛ صدها شورش بردگان علیه ستم طبقه حاکم درج تاریخ گردیده و نام نامی سپارتاکوس را نگین مبارزه علیه بهره کشی ساخته است. عظمت این مقاومت و مبارزه را می توان در کمر شلاق خورده گوردن دید، که در هر پیچ و تاب آن شورش و اعتراض به مشاهده می رسد.

نبرد برده ها، آغاز نبرد طبقاتی در تاریخ است. این نبرد برای نخستین جرس آزادی ستمدیدگان از یوغ زجر و ستم نواخت و با خون بردگان فانوس رهائی ستمدیدگان را روشن ساخت.

در جامعه طبقاتی، آزادی در مالکیت بر ثروت و سرمایه است و بندگی و بردگی در تهیدستی و فرودستی. آنهایی که صاحب مال و منال و سرمایه و ثروت اند، هم آزادی دارند و هم مالکان دموکراسی اند؛ اما در اردوگاه تهیدست ها نه آزادی برای ستمدیدگان وجود دارد و نه دموکراسی که بر حکم آن بتوانند صاحب مال و ثروت و سرمایه باشند. آزادی واقعی تهیدستان و فرودستان زمانی مسیر است، که سرمایه را از چنگال ستمگران بکشند و به مالکیت جمعی، به مالکیت همه فرودستان تبدیل کنند. نبرد میان این دو اردوگاه، نبرد طبقاتی است که از آن گریزی نیست.

شلاق «دموکراسی» ثروت و استبداد امروز خونبارتر از دوران بردگی بر زحمتکشان و ستمدیدگان فرو می آید. تازیانه چرمی بردگی اکنون به مادر بم ها، بم های خوشه نی، سلاح بیولوژیک و قتل های عام کودکان و زنان و مردان تبدیل شده است، بگنریم از این که مالکان وسایل تولید و خدمات و سیستم های تکنالوژی، چه زندگی هائی را که با استثمار به باتلاق نیستی می کشند.

اگر در دوره بردگی، سپارتاکوس با اعتراض خشمگین ناقوس رهائی را به صدا درآورد و میلیون ها برده برای آزادی به پاخاستند؛ در بردگی سرمایه داری کنونی نیز ناقوس های فراوانی علیه ثروت سرمایه به صدا درآمده و به ثمر نشسته است. از نخستین نبرد در کمون پاریس گرفته تا انقلاب اکتوبر و انقلاب چین و... همه، شلاقداران سرمایه را به مصاف طلبیده و بر ویرانی ثروت خصوصی آن، مالکیت اجتماعی بنا کرده بودند.

تاریخ به پایان خود نرسیده، تا سرمایه و کار در کنار هم اند، نبرد این دو کماکان ادامه دارد و به یقین می توان گفت که تاریخ دیر یا زود شاهد کمون های دیگر خواهد بود و شعله آزادی شلاق ثروت و تازیانه حقارت را خاکستر خواهد کرد.